



بهمن هدایتی به‌عنوان یک
صدام‌پژوه توضیح می‌دهد
**از من نخواه که صدام را
فراموش کنم**

۱۳



روایت‌های پراکنده از صدام
به قلم حامد عسکری
**شش دانگ
دیکتاتور**

۱۴



الهیة سیدالحسینی از جنایت‌سی‌دی
جنایات صدام می‌گوید
**ننه بدری
در اسارت صدام**

۱۵



محمدتقی حاجی‌موسی و روایتش
از یکی از منفورترین شخصیت‌ها
**نفرت‌انگیز
مثل تو**

۱۴

پنجشنبه ۹ دی ۱۴۰۰ ■ شماره ۶۱۱۸

۱۳

ویژه‌نامه آخر هفته روزنامه جام جم ■ شماره ۳۴ ■ ۲ صفحه

«هفتگ جام جم» چهار صفحه ویژه از روزنامه جام جم است. جایی که قرار است هر آخر هفته دور هم بنشینیم و راجع به موضوعی که در زندگی روزمره درگیر آن هستیم و کمتر به آن فکر می‌کنیم، صحبت کنیم. آخر هفته‌ها با «هفتگ جام جم» همراه باشید. موضوع این شماره: «صدام».

این شماره «هفتگ جام جم» در سالروز اعدام یکی از منفورترین شخصیت‌های تاریخ منتشر می‌شود

مرگ بر صدام یزید کافر!

صدام حسین کسی بود که حتی کاریکاتورهایش هم به جای خنده، ترس به جان بچه‌های دهه ۶۰ می‌انداخت

از من نخواه که صدام را فراموش کنم



بهمن هدایتی
روزنامه‌نگار و
بزرگ‌ترین صدام‌پژوه
قرن اخیر که از خود
صدام حسین بیشتر
اوارامی شناسد

من ۲۸ شهریور ۱۳۵۹ متولد شدم، سه روز قبل از شروع رسمی جنگ. تا چشم باز کردم از لایه‌لای اخبار و مجلات و روزنامه‌ها هیبت صدام در مقام یک دشمن خونخواروبی‌رحم با آن‌سبیل‌هاوخنده‌ترسناک و کریه‌اش دیده‌ام، البته بیشتر کاریکاتورش را. یادم هست وقتی از شهرستان به تهران می‌آمدم، نرسیده به میدان آزادی، در دیوار فرودگاه مهرآباد در جاده مخصوص کرج، پر از کاریکاتورهای صدام و فهد و ریگان بود ولی صدام‌هایش یک‌جور دیگر بود، ترسناک‌تر، ما بچه‌های دهه ۶۰ از صدام می‌ترسیدیم و متفرد بودیم. به چشم، موشک زدن‌هایش را دیده بودیم، رد سفید موشک روی آسمان تهران، اسفند ۱۳۶۶، بمباران‌هایش را، آژیر قرمز و پناهگاه و ثانیه‌شماری برای تمام شدن این قرعه مرگ، در فامیل‌مان حتما یک نفر پیدا می‌شد که صدام، شهیدش کرده باشد، صدام برای ما بمب شیمیایی و مرگ و موشک بود؛ شاید شما صدام را در فیلم‌های خبری تلویزیون و مستندها دیده باشید اما ما دهه شصتی‌ها صدام‌مان یک‌طور دیگری بود و هست و با ما خواهد بود، پس از من نخواه که صدام را فراموش کنم!

هارون الرشید آسوده بخواب!

تابستان ۱۳۵۴، وقتی روابط عراق و ایران بعد از مدت‌ها رو به بهبودی بود، صدام که آن روزها معاون رئیس‌جمهور عراق بود به ایران سفر کرد، اسد... علم، محرم اسرار شاه در یادداشت‌هایش از صدام به‌عنوان یک جوان خوش‌تیپ و مبادی آداب یاد می‌کند، جوان‌مبادی آداب تکریتی باسبیل قیطانی بلافاصله بعد از استقبال و دیداری کوتاه در تهران به مشهد رفت. حدس بزنید صدام در دیدار خصوصی با شاه از او چه خواست؛ انتقال جسد هارون‌الرشید از مشهد به بغداد!

اگر بگوییم اصلاً برای زیارت هارون‌الرشید به مشهد آمده بود؛ پربیره نیست. البته شاه اینقدر عقل داشت که حتی به پیشنهاد صدام فکر نکند و از کنار آن بگذرد. هارون‌الرشید همان مفهومی را برای صدام حسین داشت که کوروش هخامنشی برای محمدرضا پهلوی، شاه ایران؛ هردو می‌خواستند کوروش و هارون‌الرشید آسوده بخوابند که آنها بیدار باشند. در بغداد عصر صدام، هر مکان با ارزش و نفیس و خاص «الرشید» نام می‌گرفت؛ خیابان الرشید، هتل الرشید (همان که مرکز کنفرانس سران غیرمتعهدها بود و توسط خلبانان ایرانی بمباران شد تا کنفرانس لغو شود)، بانک الرشید، مجتمع الرشید و... در شقاوت هارون‌الرشید همین بس که دشمن ویژه آل محمد(ص) بود و قاتل امام موسی بن کاظم(ع) اما حدس بزنید وقتی علائم مرگ در هارون‌الرشید پیدا شد، در آخرین ساعات زندگی در طوس چه کرد؟ هارون‌الرشید برادرش رافع را به قصاب سپرد و او را به دو نیم کرد- چون جلاذ مخصوص در دسترس

قرآنی که به نجاست آلوده شد

حمله اول آمریکا به عراق و جنگ اول خلیج فارس و فروپاشی بلوک شرق و شوروی، مبدا جدیدی در حکومت صدام بود. صدام فهمید که در مورد سوءاستفاده از مذهب کم‌کاری کرده است، حدس بزنید چه کار کرد؟ ستاره‌های سرخ سوسیالیستی پرچم عراق را برداشت و به جایش... اکبر- با فونت طرفی با شجاعت دارد، صدام ابایی نداشت حتی به افسر ارشد حزب بعث دستور دهد که زنش

سرکوب انتفاضه شیعیان

بعد از انتفاضه شیعیان در جنوب عراق، ۱۴ استان عراق به دست مردم سقوط کرد اما صدام می‌دانست چطور باید ستون فقرات مقاومت را بشکند. دستور داد حرم‌های امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) را با گلوله تانک هدف قرار دهند. تانک‌های صدام به بین‌الحرمین آمدند، داماد صدام، حسین کامل رو به حرم سیدالشهدا کرد و گفت: من هم حسین هستم و تو هم حسین! تعدی به عتبات، از زمان خلفای عباسی تکرار نشده بود ولی صدام قفل این مرحله را هم باز کرد؛ صدام بود دیگر و می‌خواست هارون‌الرشید معاصر باشد! اما عجیب‌ترین کاری که برای سرکوب کرد این بود که دستور داد آیت‌ا... خویی ۹۴ ساله را به حضورش بیاورند، مرجع تقلید سالخورده که زیر بغل‌هایش را گرفته بودند جلوی صدام آوردند. این جلسه به روایت دوربین‌های تلویزیون عراق چنین بود: صدام خطاب به اطرافیان خود: چرا به من اطلاع ندادید این مرد این‌قدر پیر و مریض است؟! سپس با لبخند خطاب به آیت‌ا... خویی: اگر می‌دانستم شما اینقدر مریض حال هستید، خودم برای دیدنتان به نجف می‌آمدم! صدام: راستی ماشین‌تان چه شد؟ آیت‌ا... خویی: آتش گرفت! (ماشین شخصی آیت‌ا... خویی را به معنی‌ها به دستور خود صدام آتش زده بودند)!

صدام: می‌دانستی که ممکن بود خودت هم در آن ماشین باشی؟



کودتای یعنی‌ها در ۱۹۶۸ گفت: من جزو گروه ترور مرحوم عبدالکریم القاسم(رئیس وقت دولت عراق) بودم! قاضی با تعجب پرسید او را کشتی و می‌گویی مرحوم؟! صدام با خونسردی جواب داد: هرکس بمیرد من به او می‌گویم مرحوم، به خمینی هم گفتم! کشتن قاسم برای وطن ضروری بود!

صدام این روزهای من

این‌روزهایکی از سرگرمی‌هایم، صدام‌گردی در اینترنت است؛ فیلم‌هایش را پیدا می‌کنم، سخنرانی‌هایش را، صفحاتی که برایش ساخته‌اند، عکس‌هایش را، در میان این صدام‌گردی‌ها، به یک چیز رسیده‌ام: صدام را آمریکایی‌ها به بردن نه مردم عراق و این باگ قصه صدام است؛ اشغالگری آمریکا و ناامنی و جنگ شیعه و سنی در دوره تسلط بیگانگان بر عراق و نمایش قدرت نسبتاً موفق صدام در دادگاه و... باعث شده برای خیلی‌ها، صدام محبوب شود؛ عجیب است اما واقعی، می‌دانم روایت محبوب نیست اما خیلی‌ها در عراق آرزوی امنیت و ثبات دوران صدام را دارند. صدام این روزها مورد پسند نوجوانان عاصی عرب است.

با محبوبیت صدام چه باید کرد؟ مسخره‌اش کرد؟ قبر نداشته‌اش را دوباره خراب کرد؟ ممنوع‌اش کرد؟ صدام سرطانی است که این‌طور دوامی‌شود، صدام در عوامفریبی و بلاغت در سخنرانی‌کم‌نظیر بود، دست‌کم‌گرفتن صدام اشتباه است، خیلی خودمانی بگویم که صدام هنوز هم می‌تواند صدمه بزند! صدام از جنس حسنی مبارک و سادات و فهد و ملک حسین اردنی و... نبود و نیست، تنها رهبر عربی است که به اسرائیل موشک زده! تنها رهبر عربی است که اعدام شده‌ان هم در روز عید قربان! فراموش می‌شود اما نه به این زودی‌ها، نه به این آسانی‌ها، درمان سرطان صدام، تصویر است؛ باید هزارچندگامی جنایت صدام را بیکم و کاست و تبلیغ و اگرچهره و شعار و حاشیه، نشان داد. فطرت انسان بهترین جراح دیکتاتورهای جذاب در تاریخ است. همان‌طور که امروز دیگر کسی طرفدار هارون‌الرشید نیست؛ تصویر و خاطره صدام که می‌خواست ادای هارون‌الرشید را در بیاورد هم رفتنی است در نهایت